

اپوزیسیون در قمار شراکت با اسرائیل پرده از ماهیت خود برانداخت و بدنهٔ اجتماعی‌اش را باخت

همه فهمیدند پادشاه لخت است



علی مژوعی

خبرنگار گروه سیاست

در نظر آوردن رویدادهای سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد پس از سه سال، ایران به سمت ترمیم شکاف‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی حرکت کرده‌است. در داخل، مرزبندی با افراط و انفعال در بدنه اجرایی شکل گرفته و اعتماد اجتماعی به مروجان این ایده‌ها کاهش یافته‌است. در خارج نیز شکست اپوزیسیون و افشای چهره‌شان، رادیکالیسم را طرد کرده است. تداوم این روند با تمرکز بر تقویت اقتصاد، بازدارندگی دفاعی و دیپلماسی مقتدرانه کلیدی برای ثبات بلندمدت است. در سال ۱۴۰۴، با گذشت سه سال از آن رویدادها، فرصتی مناسب برای بازنگری فراهم شده تا بفهمیم چرانتلاش‌های بعدی برای تکرار چنین الگویی، حتی با مداخلات خارجی مانند حمله نظامی اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ به شکست انجامید. در داخل ایران رویکردها به سمت تقویت بازدارندگی دفاعی و همبستگی اجتماعی حرکت کرده درحالی‌که افشای چهره واقعی اپوزیسیون و حمایت‌های علنی آن‌ها از اقدامات خصمانه، منجر به طرده گسترده این تهدید خارجی شده است. نتایج رخ داده تصویری از همبستگی اجتماعی و آگاهی عمومی نسبت به تهدید خارجی را می‌سازد که به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده عمل کرده و باید به نحوی عمل کرد که وضعیت اجتماعی به وجود آمده به عنوان یک دستاورد لحاظ شده و حفظ شود.



پروژه تکراری ۲۵ شهریور

پس از ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، اپوزیسیون خارج‌نشین در دو سال بعدی تلاش کرد تا با استفاده از سالگرد مرگ مهسا امینی، پروژه کشاندن مردم به خیابان را دوباره فعال کند. اما هر بار این تلاش‌ها با شکست مواجه شد. در نهایت، در سال ۱۴۰۴، رژیم صهیونیستی پیش از ایجاد هرگونه آشوب اجتماعی، به اقدام نظامی روی آورد و امیدوار بود که با کشتار مردم و تخریب زیرساخت‌ها اعتراضات را برانگیزد. این رویکرد که نهایت تلاش برای تحریک خیابان بود

۲ جریان افراطی در سال ۱۴۰۱ و حاشیه‌نشینی آن‌ها

در سال ۱۴۰۱ جامعه ایران در داخل با دو جریان اصلی روبه‌رو بود که هر کدام به شکلی متفاوت به تشدید تنش‌ها دامن می‌زدند. یک جریان با ترویج ایده‌های سلبی و تقابلی جامعه را به سمت درگیری‌های داخلی سوق می‌داد، درحالی‌که جریان مقابل با پهنانه‌جویی‌های مداوم، مردم را به مخالفت مستقیم با ساختارهای اجرایی کشور تشویق می‌کرد. این رویکردها که اغلب بر پایه ایده‌های سلبی و بدون ارائه‌رحل‌های عملی نباشده بودند کشور را به سمت چشم‌پوشی از مهم‌ترین ایزاز تقویت بازدارندگی یعنی سرمایه اجتماعی هل می‌داد. اما پس از حمله نظامی اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ این دیدگاه‌ها اعتبار خود را از دست دادند. در فضایی که تقویت توان دفاعی به یک مطالبه همگانی تبدیل شده بود، گروه‌هایی که پیش‌تر خواستار تضعیف این توان بودند، برای حفظ پایگاه اجتماعی خود، به ایفای نقش منتقد ضعیف‌های دفاعی روی آوردند. این تغییر موضع، هم به آن‌ها اجازه ادامه ژست منتقد داده و هم آن‌ها

تقویت بازدارندگی دفاعی و تبدیل آن به مطالبه عمومی

حمله نظامی اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ نقطه عطفی بود که دیدگاه‌های انفعالی را بی اعتبار کرد. پیش از این، برخی گروه‌ها با ترویج ایده‌های تضعیف‌کننده، کشور را به رها کردن ابزارهای دفاعی تشویق می‌کردند. اما این حمله نشان داد تقویت توان دفاعی نه تنها ضروری، بلکه به یک مطالبه همگانی تبدیل شده

ترمیم شکاف‌های اجتماعی و بهبود اعتماد عمومی

در سال ۱۴۰۴، فضای اجتماعی ایران به سمت ترمیم شکاف‌های ناشی از رویدادهای ۱۴۰۱ حرکت کرده و جهت‌گیری نمودار اعتماد اجتماعی به سمت مثبت تغییر کرده است. این روند در نظرسنجی‌های متعدد قابل مشاهده است. برای نمونه در پیمایشی که توسط مرکز تحلیل اجتماعی (متا) در تیرماه ۱۴۰۴، پس از درگیری نظامی میان ایران و اسرائیل انجام شد، حدود

پرده از چهره اپوزیسیون افتاد

پس از رویدادهای سال ۱۴۰۱ تعاملات رضا پهلوی با مقامات رژیم صهیونیستی، از جمله بنیامین نتانیاهو در سال ۱۴۰۴ به حمایت علنی او از حمله به ایران و کشتار غیرنظامیان منجر شد. همزمان با اقدامات تروویستی رژیم صهیونیستی و انتشار تصاویر تکان‌دهنده از کودکان شهید زیر آوار، همسر رضا پهلوی با انتشار هشنگ «اسرائیل یزن» از این اقدامات حمایت کرد. به دنبال آن، دیگر اعضای خانواده پهلوی و شخص خود رضا پهلوی نیز در همراهی با این جنایات، از اقدامات رژیم صهیونیستی پشتیبانی کردند. رضا پهلوی در صفحات مجازی خود ایران را آغازگر این درگیری معرفی کرد و در اظهاراتی ضدایرانی خود را شریک اسرائیل دانست و گفت: «ما همه در این مبارزه با هم هستیم و پیروز خواهیم شد». او در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی، حمایت خود از رژیم صهیونیستی را اینگونه توجیه کرد که هر چیزی که نظام ایران را تضعیف کند، اقدامی مثبت است. این موضع‌گیری که تلویحاً حمایت از کشتار غیرنظامیان بود، حتی مجری بی‌بی‌سی را متعجب کرد.

نیز به ناکامی انجامید. پس از این شکست چهره‌هایی مانند مسیح علی‌نژاد که پیش‌تر از کشورهای غربی درخواست حمله به ایران کرده بودند، برای فاصله گرفتن از این ناکامی ادعا کردند دلیل عدم موفقیت حمله نظامی این بوده که اسرائیل منتظر اپوزیسیون نمانده تا ابتدا خیابان‌ها را شلوع کند.

این ادعا نه تنها اعترافی به ناکامی پروژه‌های خیابان‌سازی اپوزیسیون است بلکه نشان می‌دهد که آن‌ها در آینده نیز به امید ترغیب

دولست در این دوره در موقعیتی عمل کرده‌نه به رفتارهای تقابلی با جامعه تن داده و نه در دام ایده‌های منفعل و همیشه طلبکار افتاده است. برخی گروه‌ها تلاش کرده‌اند با وارد کردن اتهامات مختلف به کشور، از ضعف‌های موجود به نفع خود بهره‌برداری کنند. این افراد که هر از گاهی برای جلب توجه عمومی بیانیه‌هایی با اعضای چند نفره و چند صد نفره منتشر می‌کنند، نه ایده نوینی ارائه می‌دهند و نه خودشان از سابقه‌ای مؤثر برخوردارند. ایده‌های آن‌ها پیش‌تر اجرا شده و خودشان در گذشته مسئولیت‌هایی داشته‌اند که نتایج آن چندان موفق نبوده است. این گروه‌ها اکنون در تلاش برای معرفی خود به عنوان بدل وضعیت موجود با انتشار بیانیه‌های خیالی روی آورده‌اند. اما دولت با هوشمندی تلاش کرده تا خود را از این جریان‌های فانتزی نگر جدا سازد و به جای درگیر شدن در منازعات بی‌ثمر بر سیاست‌های عملی تمرکز کند.

نقش دولت در ایجاد تعادل و پرهیز از افراط‌گرایی

ایده‌های کلیدی کشور مانند مقاومت در برابر فشارهای خارجی، تقویت روابط با شرق و خنثی‌سازی تحریم‌ها، به طور فعال پیگیری شده‌اند. در عین حال، در مذاکره با طرف‌های بین‌المللی بسته نیست و دیدگاه‌های انسدادطلبانه که به بن‌بست دیپلماتیک منجر می‌شوند کنار گذاشته شده‌اند. این رویکرد دولت تاکنون از سوی دیگر قوا، از جمله قوه قضائیه و مجلس، حمایت شده‌است؛ هرچند برخی چهره‌های سیاسی پرهیاهو ممکن است علیه آن اعتراض کنند. نتیجه کلی این رویکرد، تقویت تعامل میان قوا و ایجاد یک فضای همکاری بوده که به ثبات داخلی کمک کرده است. اقداماتی همچون رزمایش تأمین و توزیع کالا که پیش از جنگ تحمیلی توسط دولت انجام شد و در جریان تهاجم ۱۲ روزه به آمادگی برای جلوگیری از کمبودهای احتمالی کمک کرد نشان می‌دهد دولت تهدید خارجی را نیز جدی گرفته و با درک موقعیت جنگی برنامه‌ریزی می‌کند.

مثبت در جامعه بوده است. جامعه ایرانی اکنون کمتر تحت تأثیر بیانیه‌های تکراری یا ایده‌های سلبی قرار می‌گیرد. این مرزبندی، نه تنها در سطح نخبگان سیاسی، بلکه در سطح افکار عمومی نیز مشهود است، جایی که مردم به سمت رویکردهای عملی و واقع‌بینانه گرایش یافته‌اند.

پاسخی به تهدیدات خارجی به یک عامل وحدت‌بخش تبدیل شده است. مردم با مشاهده توانایی کشور در پاسخ به حملات، اعتماد بیشتری به نهادهای دفاعی پیدا کرده‌اند. این اعتماد به کاهش تأثیر گروه‌های انفعال‌طلب کمک کرده است. تداوم مرزبندی با دیدگاه‌های رادیکال و انفعالی، عامل اصلی تثبیت روند

حمایت از اسرائیل در این درگیری است. علاوه بر این، حدود ۷۸ درصد از ایرانیان، مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا را نوعی عملیات فریب برای زمینه‌سازی حمله اسرائیل به ایران ارزیابی کردند. این آمارها نشان می‌دهند که هرچند بخشی از جامعه همچنان به مذاکره تمایل دارد، اما در مجموع، افکار عمومی نسبت به مذاکره با دولت فعلی آمریکا دیدگاه خوش‌بینانه‌ای ندارد.

جنگ ۱۲ دره میان ایران و اسرائیل که همزمان با گفت‌وگوهای غیرمستقیم با ایالات متحده جریان داشت، مرکز تحلیل اجتماعی (متا) تغییرات در دیدگاه مردم نسبت به مذاکره با آمریکا را بررسی کرد. نتایج این مطالعه نشان داد سطح موافقت عمومی با مذاکره با دولت آمریکا در کمتر از سه ماه، حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. این تغییر نتیجه دخالت مستقیم آمریکا در

می‌زنی.» پس از واکنش منفی مردم، او ادعا کرد این پست قدیمی است و منظور بمباران غزه بوده، اما این توجیه نیز نشان‌دهنده عمق تفکر ضدانسانی اپوزیسیون است. این همکاری آشکار با جنایتکاران، پرده از چهره واقعی اپوزیسیون ایرانی برداشته و باعث شده اگر برخی مردم در سال ۱۴۰۱ شناخت کاملی از آن‌ها نداشتند، اکنون کاملاً آن‌ها را بشناسند و مرزبندی کنند. عامل دیگری که به شکست پروژه‌های آشوب‌منجر شده، رویکردقاطع کشور در برخورد با اقدامات امنیتی آشوب‌افکنانه و به ویژه در شرایط تهدید نظامی رژیم صهیونیستی است. عوامل میدانی وابسته به اپوزیسیون جرئت بروز در خیابان ندارند و این امر مردم را آگاه کرده که خود را ابزار منافع اپوزیسیونی نکنند که از آشوب سود اقتصادی می‌برند اما هزینه‌ای متحمل نمی‌شوند. این آگاهی همراه با تقویت حس وحدت ملی پس از حمله ۱۴۰۴ به طرد کامل اپوزیسیون منجر شده است. همچنین کمپین‌های آگاهی‌بخشی در مورد خطرات مداخلات خارجی، به مردم کمک کرده تا از پروژه‌های براندازانه فاصله بگیرند.

بودند تا با ایجاد فشار روانی ناراضیانی در ایران را تشدید کنند. در سوی دیگر، گروه منافقین نیز حمایت مشابهی از حمله اسرائیل به ایران نشان داد. مریم رجوی، رهبر این گروه تروریستی، در پارلمان اروپا اظهار داشت «این جنگ، آغاز فصل جدیدی است.» عوامل میدانی منافقین در داخل کشور نیز حداکثر همکاری را با رژیم صهیونیستی انجام دادند، از جمله فعالیت‌های جاسوسی، خرابکاری و عملیات تخلیه تلفنی از مردم عادی برای ارائه اطلاعات دقیق به اسرائیل جهت بمباران‌های بیشتر. مسیح علی‌نژاد نیز که از ابتدا خواستار حمله به ایران بود، پس از شکست اقدام اسرائیل، نه برای مرزبندی با جنایت، بلکه برای فاصله گرفتن از شکست، اعتراض کرد که چرا اسرائیل منتظر نمانده تا او و دیگران تنور آشوب را گرم کنند. این موج حمایت در میان سلب‌رئی‌های پیوسته به پروژه براندازی نیز گسترش یافت. حمید فرخ‌نژاد اخیراً در گفت‌وگویی با شبکه اینترنت‌نشال، از حمله اسرائیل حمایت کرد و خواستار حمله مجدد شد. علی کریمی نیز در این جنگ، با انتشار پستی گستاخانه نوشت: «بزن بی‌بی که داری خوب